Scientific quarterly (scientific-research article) of Islamic world political research
Vol. 12, No. 3, Autumn 2022, 1-28
DOI: 10.21859/priw-120301

Analysis and pathology of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran Regarding the Syrian civil war (2011-2021)

Amir Niakoee[1], Vida Haji[2]

Date received: 2022/02/12 **Date of acceptance**:2022/06/23

Abstract

Examining Iran's foreign policy towards the Syrian crisis is a very important issue that has different approaches. In this research, taking into account Iran's strong supporting role in the continuation of the Syrian government, the following questions are addressed: What theory can best explain Iran's foreign policy regarding the Syrian crisis? To what extent has this policy been successful and what consequences has it brought? The findings of the research indicate that the foreign policy of the Islamic Republic of Iran in Syria mainly has a security aspect and is aimed at confronting threats and maintaining regional influence, so its explanation is from the perspective of realism approach and specifically the threat balance theory. It is more suitable. This policy has been successful in curbing direct security threats, especially the strengthening of Takfiri groups in the western region of Iran, as well as maintaining the regional influence of the Islamic Republic, however, it has also brought some shortcomings and consequences. We can mention the widening of religious divisions in the region as well as the decline of the soft power of the Islamic Republic of Iran and aligned groups in the Arab world. On the other hand, the limited view of military security on the Syrian area and the weakness of Iran's economic diplomacy, as well as the actions of other influential actors in Syria, such as Russia, to expand the sphere of influence have also had negative effects on Iran's interests in this region. In this research, a descriptive analytical method was used and the data collection method is library.

Keywords: Syrian crisis, realism, security, balance, unity

1. Associate Professor, Department of Political Science, Gilan University, Iran (Responsible Author) , niakoee@gmai.com

2. Master of Regional Studies, Faculty of International Relations, Tehran, Iran.
vidahaji133@yahoo.com

Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/ or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA..

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.1.0]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.1.0]
[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال دوازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱

پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی – پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال دوازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱، صص ۲۸ – ۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۲۰۳۰۱

واکاوی و آسیب‌شناسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال جنگ داخلی سوریه (۲۰۲۱-۲۰۱۱)

امیر نیاکوئی[۱]
ویدا حاجی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۲

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

بررسی سیاست خارجی ایران در قبال بحران سوریه موضوع پراهمیتی است که در رابطه با آن رویکردهای مختلفی وجود دارد. در این پژوهش با توجه به نقش حمایتی پررنگ ایران در تداوم حکومت سوریه به این پرسشها پرداخته می‌شود که سیاست خارجی ایران در قبال بحران سوریه را در قالب چه نظریه‌ای بهتر می‌توان تبیین کرد؟ این سیاست تا چه میزان موفقیت‌آمیز بوده و چه پیامدهایی را به همراه داشته است؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سوریه عمدتا وجه امنیتی داشته و معطوف به مقابله با تهدیدات، و حفظ نفوذ منطقه‌ای بوده لذا تبیین آن از منظر رهیافت واقع‌گرایی و به طور خاص نظریه موازنه تهدید مناسب‌تر است. این سیاست در مهار تهدیدات امنیتی مستقیم به ویژه قدرت‌گیری گروههای تکفیری در حوزه منطقه‌ای غرب ایران و همچنین حفظ نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی، موفقیت‌آمیز بوده با این حال برخی کاستی‌ها و پیامدها را نیز به همراه داشته که می‌توان به گسترش شکافهای مذهبی در منطقه و همچنین افول قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و گروههای همسو در جهان عرب اشاره کرد. از طرف دیگر، نگاه محدود امنیتی نظامی به حوزه سوریه و ضعف دیپلماسی اقتصادی ایران، و همچنین کنشهای سایر بازیگران تاثیرگذار در سوریه مانند روسیه برای گسترش حوزه نفوذ نیز بر منافع ایران در این منطقه تاثیرات منفی داشته است. در این پژوهش از روش تحلیلی توصیفی استفاده شده و روش جمع آوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای است.

واژه‌های کلیدی: بحران سوریه، واقع‌گرایی، امنیت، موازنه، اتحاد.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه گیلان، ایران. (نویسنده مسئول) niakoee@gmail.com
۲. کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشکده روابط بین‌الملل، تهران، ایران. vidahaji133@yahoo.com

Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.1.0]

مقدمه

با وقوع شورش و ناآرامی در سوریه در اوایل ۲۰۱۱ این کشور به مرور دستخوش بحران پیچیده‌ای شد که زمینه مداخلات منطقه‌ای و بین المللی را فراهم آورد و این کشور را به محل رقابت قدرتها تبدیل کرد. با گذر زمان کشورهایی چون عربستان سعودی، قطر و ترکیه در سطح منطقه‌ای تمام تلاش خود را معطوف به براندازی حکومت سوریه نمودند. در سطح بین المللی نیز ایالات متحده و اروپا از پایان حکومت اسد سخن می‌گفتند. از سوی دیگر مجموعه ای از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه ای با حمایت از حکومت سوریه نقش قابل توجهی در تداوم حکومت اسد و موفقیتهای میدانی آن به ویژه پس از سال ۲۰۱۶ ایفا کردند که بدون شک نقش ایران در سطح منطقه‌ای و روسیه در سطح بین المللی حائز اهمیت و تعیین کننده بوده است. حضور نظامی ایران در سوریه در کنار نقش آفرینی حزب الله لبنان و همچنین سازماندهی گروههایی چون زینبیون و فاطمیون نقش بسیار مهمی در موفقیتهای میدانی حکومت سوریه ایفا نمود. در این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسشها هستیم که سیاست خارجی ایران در قبال بحران سوریه که مبتنی بر حمایت از حکومت سوریه با بهره‌گیری از سازوکارهای مختلف بوده را چگونه و در قالب چه رهیافتی می‌توان تبیین کرد؟ و سیاست خارجی ایران در قبال بحران سوریه تا چه میزان موفق بوده و چه پیامدهایی را به همراه داشته است؟

در رابطه با سیاست خارجی ایران در قبال بحران سوریه آثار مختلفی به رشته تحریر درآمده است. حسین مسعودنیا، شهروز ابراهیمی و حمید درج در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه: چالش ها و پیامدها « استدلال نموده اند که هر یک از سناریوهای محتمل در آینده بحران سوریه می تواند پیامدهای مثبت و منفی بسیار مهمی را برای سیاست خارجی ایران و منافع منطقه ای آن در برداشته باشد که این خود می‌تواند بر توان بازیگری ایران در صحنه سیاسی منطقه تأثیرگذار باشد. این تحقیق راهکارهایی برای مقابله با این چالش ها در چارچوب نظریه گزینش عقلایی ارائه نموده است. (مسعودنیا و دیگران:۱۳۹۷) مجید عباسی نیز در اثری با عنوان «بحران سوریه تبلور نظریه واقعگرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» استدلال می کند که ایران خود را رهبر جناح مقاومت در برابر آمریکا و اسرائیل می داند. از آنجا که سوریه یکی از حلقه‌های مهم جبهه مقاومت است، تغییر وضع موجود در این کشور یعنی تضعیف محور مذکور و به هم خوردن موازنه قوا به ضرر ایران، مغایر با اهداف و منافع ملی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران است. (عباسی :۱۳۹۴)

گارینه کشیشیان و سهیل سهیلی نجف آبادی نیز در مقاله‌ای با عنوان «سیاست خارجی جمهوری

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.1.0]

اسلامی ایران در قبال تحولات خاورمیانه (بیداری اسلامی) با تاکید بر بحران سوریه» استدلال می‌کنند که ایران خواهان گسترش ارزش های هویتی خود در منطقه است، اما سعی دارد تا با نفوذ بیشتر در منطقه با بهره گیری از سیاست اتحاد با روسیه،نخست امنیت ملی خویش و پس از آن منافع ملی خود را تامین نماید. این پژوهش از منظر سازه‌انگارانه به بررسی موضوع پرداخته است. (کشیشیان و سهیلی نجف آبادی:۱۳۹۷) قدرت احمدیان، فرهاد دانش نیا و کرم‌رضا کرمیان نیز در مقاله‌ای با عنوان «هویت و سیاست خارجی خاورمیانه ای ایران و ترکیه در سوریه» از منظری سازه‌انگارانه به سیاست خارجی ایران و ترکیه پرداخته‌اند. این نویسندگان ابعاد هویت ملی و تبلور هویت در رفتارهای سیاست خارجی دوکشوررا در پرتو یک رویکرد اپیستمولوژیک دوگانه با چارچوبی سازه انگارانه مورد مداقه قرار داده‌اند. (احمدیان، دانش نیا و کرمیان : ۱۳۹۵)

البته آثاری که به سیاست خارجی ایران در قبال بحران سوریه پرداخته محدود به آثار فوق نیست و پژوهشهای متنوعی به این موضوع پرداخته است به هر حال، بررسی اجمالی کلیه این آثار حاکی از تفاوتهای چشمگیر میان پژوهش حاضر و آثار فوق است. اول آنکه عمده آثار فوق از منظرهای سازه-انگاری و یا نظریه انتخاب عقلانی به سیاست خارجی ایران پرداخته‌اند در حالی که در این اثر با بهره-گیری از نظریه‌های اتحاد و مباحث موازنه تهدید، موضوع مورد بررسی قرار گرفته است. حتی در آثاری که سیاست خارجی ایران را از وجهی امنیتی و در چارچوب واقع‌گرایی تبیین نموده نیز کمتر به پیامدهای سیاست خارجی ایران پرداخته شده است. در واقع آسیب‌شناسی سیاست خارجی ایران چندان مورد توجه واقع نشده و عمده محققان تنها به تاثیرات مثبت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر منافع و امنیت ملی پرداخته‌اند و مباحثی چون تاثیر جنگ سوریه بر قدرت نرم ایران و بازیگران همسو، ضعفهای دیپلماسی اقتصادی ایران و همچنین رقابت ایران و روسیه در سوریه و پیامدهای آن چندان مورد بررسی تحلیلی قرار نگرفته است.

در این پژوهش برای پاسخ به پرسشهای تحقیق، در ابتدا رویکردهای نظری پیرامون ریشه‌های اتحاد مورد توجه قرار می‌گیرد و سپس چرایی اتحاد تاریخی ایران و سوریه از منظری تئوریک و تاریخی بررسی می‌شود تا درک عمیق‌تری از روابط ویژه این دو کشور حاصل شود. در ادامه نیز شاخصهای مختلف سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران بررسی شده و چرایی اتخاذ این سیاست واکاوی می‌شود. در بخش بعدی نیز پیامدهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و میزان موفقیت آن مورد توجه قرار می‌گیرد. در این بخش، از رویکردی آسیب‌شناسانه استفاده شده تا نقاط آسیب‌پذیر سیاست خارجی ایران

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.1.0]

مشخص‌تر گردد و بتوان راهکارهایی را برای ارتقا و بهبود منافع کشور ترسیم نمود. در پایان نیز جمع‌بندی کلی و برخی پیشنهادات ارایه می‌شود.

گذاری بر نظریه‌های اتحاد با تاکید بر رویکرد موازنه تهدید

هنگامی که به بررسی ریشه اتحادها و ائتلافها در روابط بین‌الملل می‌پردازیم، نظریه‌های مختلفی مطرح می‌شود که به ویژه به رویکرد سازه‌انگاری و واقع‌گرایی می‌توان اشاره کرد. برخی محققان از منظری سازه‌انگارانه، هویت و انگاره‌های مشترک را ریشه اتحاد می‌دانند و در این راستا به تداوم ناتو پس از فروپاشی شوروی اشاره می‌کنند. از این منظر، تداوم ناتو نه براساس تهدید مشترک، بلکه مبتنی بر هویت مشترک در دو سوی آتلانتیک بوده است.

از سوی دیگر نظریه‌های جریان اصلی روابط بین الملل به ویژه واقع‌گرایان و نوواقع‌گرایان بر این باورند که مقابله با تهدیدهای مشترک یا ادراک از تهدیدهای مشترک منجر به ائتلاف و اتحاد میان دولتها می‌شود. در این نظریه ها، با الهام از نظریات اقتصاد خرد، نظریه بازی‌ها و نظریه انتخاب عقلانی، دولتها به عنوان کنشگران عقلانی فرض می‌شوند که با محاسبه سود و زیان خود و در صورت وقوع تهدیدات مشترک، براساس اصل مصلحت، برای دفع تهدیدات دست به اتحاد و ائتلاف با بازیگرانی که مانند آنها با تهدیدات مشابهی مواجه‌اند می‌زنند. (رسولی ۱۳۹۳: ۱۷۳)

یکی از نظریه‌های پراهمیتی که در این راستا مطرح است نظریه استفان والت است. والت بین قدرت و تهدید تمایز قایل می‌شود و استدلال می‌کند که تهدید و نه قدرت، مرکز ثقل نگرانی‌های امنیتی کشورها در نظام بین‌الملل است. از نظر والت، دولتها در مقابل تهدیدات که متاثر از عواملی چون مجاورت، قابلیت، ایدئولوژی و نیات تهاجمی است به اتحاد با یکدیگر روی می‌آورند. در واقع والت، فرضیه اصلی نظریه موازنه قدرت را با گفتن اینکه این قدرت نیست بلکه تهدید است که دولتها علیه آن متحد می‌شوند، اصلاح نمود. (Walt, 1987: 5-22) نهادگرایان لیبرال نیز با بهره‌گیری از مفهوم عقل متعارف در رابطه با چرایی شکل‌گیری اتحادها و ائتلافهای میان دولتها به تحلیل‌های واقع‌گرایان نزدیک می‌شوند و به سود ناشی از همکاری بازیگران عقلانی در شرایط آنارشیک نظام بین الملل و البته تحت تاثیر رژیمهای بین المللی به عنوان مکانیزم‌های اعتمادبخش و تنظیم‌کننده تاکید می‌کنند. در واقع این نظریه نیز به کیستی و هویت و چیستی بازیگران نمی‌پردازد و مصلحت و سود بازیگران را مورد توجه قرار می‌دهد. (رسولی ۱۳۹۳: ۱۷۵).

در این میان، عمده محققان بر این باورند که کاربست نظریه‌های سازه‌انگاری و هویت محور در

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام
سال دوازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.1.0]

خاورمیانه با دشواری مواجه است و عمده اتحادها و ائتلافها و همچنین الگوهای همکاری و تعارض مبتنی بر تهدیدهای مشترک بوده است. در این راستا به عنوان مثال به برداشت تهدید از سوی ایران توسط کشورهای عربی و تاثیر آن بر شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس اشاره می‌گردد. (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۳ :۱۸۲-۱۷۱) همکاری و اتحاد کشورهای محافظه کار عرب با ایالات متحده را نیز نمی-توان به هویت و انگاره‌های مشترک منتسب نمود. درحالی که ایالات متحده بر لیبرالیسم استوار است، پادشاهی‌های محافظه‌کار خلیج فارس از جمله عربستان و قطر بر روایتهای مذهبی بنا شده و در مورد عربستان می‌توان گفت که یکی از پایه‌های حکومت، ایدئولوژی وهابیت بوده است.

نزدیکی برخی از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس مانند بحرین و امارات و عربستان به رژیم اسراییل که نتیجه آن به رسمیت شناختن و برپایی روابط دیپلماتیک بین بحرین و امارات با اسراییل شده و همکاری‌های مختلف نظامی، امنیتی، اطلاعاتی و اقتصادی این کشورها با اسراییل نیز تاحدود زیادی در واکنش به تهدید ایران (برداشت تهدید نسبت به ایران) بوده و نمی‌توان مولفه‌های هویتی را در نزدیکی این بازیگران دخیل دانست. البته برخی از این کشورها از همکاری با اسراییل برای گسترش نفوذ منطقه‌ای نیز بهره می‌گیرند. (نیاکوئی و حاجی ۱۳۹۹: ۲۳۱) پیوندهای ایالات متحده با اسراییل را نیز به سختی میتوان به مولفه‌های هویتی منتسب نمود. اگرچه به نقش مسیحیان انجیلی و باورهای مذهبی آنها در سیاست گذاری ایالات متحده در حمایت از اسراییل اشاره می‌شود، اما روابط آمریکا و اسراییل بسی فراتر از یک گروه و یا حزب خاص در آمریکا بوده و احزاب و جریانهای مختلف سیاسی در آمریکا در دوره های زمانی متفاوت، پیوندهای عمیق و استراتژیکی با اسراییل داشته‌اند. این روابط نیز عمدتا وجه امنیتی داشته است. اسراییل با عمق استراتژیک کم و در محاصره کشورهای متخاصم به ایالات متحده نیاز امنیتی دارد و آمریکا نیز اسراییل را شریکی استراتژیک می‌داند که در منطقه ای مهم واقع شده است. (بینین، حداد و سیکلی ۱۴۰۱)

اگرچه مقابله با تهدیدهای مشترک و به طور کلی‌تر رویکرد رئالیسم قابلیت بالایی در تبیین مسایل امنیتی در خاورمیانه و همچنین اتحادها و ائلافها در این منطقه دارد، با این حال و برای تبیینی عمیق‌تر از امنیت و اتحادها در خاورمیانه باید رویکردهای انتقادی به واقع‌گرایی را نیز مورد توجه قرار داد. محمد ایوب و سایر محققانی که در چارچوب مطالعات امنیتی جهان سوم بحث نموده‌اند، هنگامی که به معضلات امنیتی در جهان سوم می‌پردازند، تاکید می‌کنند که تهدید در جهان سوم الزاما وجه خارجی و نظامی ندارد بلکه مسایلی چون تفاوت امنیت ملی با امنیت رژیم، معضلات داخلی به مثابه بحران

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.1.0]

امنیتی جدی، ضعف هویت ملی و دولت‌ملت سازی، نبود مشروعیت، بحران یکپارچگی و مسایلی چون شکافهای قومی و مذهبی در جهان سوم باید به طور ویژه مورد توجه و نظریه‌پردازی قرار گیرد و باید توجه داشت که ایده امنیت ملی را نمی‌توان آن گونه که در غرب رایج است به کشورهای جهان سوم اطلاق نمود. (عبدالله خانی ۱۳۸۹ : ۱۵۳-۱۳۹)

این رویکرد در رابطه با اتحادها و ائتلافها در خاورمیانه نیز به اهمیت تهدیدات داخلی برای رژیم‌های سیاسی پرداخته و با تاکید بر تفاوت امنیت ملی و امنیت رژیم استدلال می‌کند که کشورهای خاورمیانه برای مقابله با تهدیدات که هم وجه داخلی و هم خارجی دارند به اتحاد و ائتلاف با بازیگران مناسب اقدام می‌کنند. از این منظر اتحاد و ائتلافهای بسیاری از رژیمهای خاورمیانه از جمله بحرین و مصر را نمیتوان بدون توجه به تهدیدات داخلی علیه رژیم‌های سیاسی این کشورها تبیین نمود. (گل‌محمدی: ۱۳۹۹) اگر از این منظر بخواهیم تقویت اتحادها و ائتلافهای رژیم سوریه با ایران و روسیه پس از بهار عربی را مورد بررسی قرار دهیم، بدون شک تاثیر جنبش اعتراضی و شورش‌ها در سوریه را باید مورد توجه قرار داد که البته بررسی دقیق آن مجال دیگری را می‌طلبد.

ریشه‌های اتحاد ایران و سوریه

اگر بخواهیم گذاری بر روابط ویژه ایران و سوریه پس از انقلاب اسلامی داشته باشیم، باز هم مولفه تهدید مشترک بسیار برجسته است. ایران و سوریه از نظر نوع نظام سیاسی و ایدئولوژِی حکومتی تفاوتهای چشمگیری دارند. حکومت سوریه حکومتی بعثی است که مولفه‌های عمده آن سوسیالیسم، سکولاریسم و پان عربیسم است و رژِیم این کشور در زمره سکولارترین رژِیمهای جهان عرب قرار دارد، از سوی دیگر، جمهوری اسلامی بر محوریت حکومت دینی و مخالفت با سکولاریسم استوار است. در واقع نوعی جمهوری تئوکراتیک در ایران وجود دارد که در آن نهادهای مذهبی مانند رهبری و شورای نگهبان منبع نهایی اقتدار را شکل می‌دهند. (Niakooee 2020: 9) و ایدئولوژی بعثی هیچ جذابیتی برای ایران ندارد. براین اساس، تاکید بر هویت مشترک به مثابه عامل همکاری و اتحاد این دو کشور دشوار است. لازم به ذکر است که حتی مخالفت و دشمنی سوریه با اسراییل نیز بیش از آنکه وجه ایدئولوژیکی داشته باشد، دارای وجوه ژئوپولیتیکی است. هنسن، تافت و ویول در پژوهشی به زیبایی نشان می‌دهند که چگونه با عدم حل شدن موضوع بلندی‌های جولان، سیاست خارجی سوریه به سمت تعارض بیشتر با اسراییل حرکت نمود. (Hansen, Toft and Wivel 2009: Chapter 5)

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.1.0]

از نظر تاریخی، پیروزی انقلاب اسلامی نقطه عطفی در شکل‌گیری اتحاد استراتژیک بین ایران و سوریه بوده است. حکومت انقلابی ایران روابط دوستانه شاه با امریکا واسرائیل را به فراموشی سپرد و زمینه را برای اتحاد استراتژیک ایران وسوریه فراهم شد. (Gelbart.2010:37) سه رویداد مهم در سال ۱۹۸۲ نیز تاثیر به سزایی بر روند اتحاد استراتژیک ایران و سوریه داشته است. ابتدا سوریه به تنها دولت عربی تبدیل شد که با قطع خط لوله عمده نفت عراق که از سرزمینش می گذشت، عملا از ایران به طور فعالانه در جنگ با عراق حمایت کرد. دومین رویداد تحول در مخاصمات در لبنان بود که با حمله اسرائیل به جنوب لبنان و متعاقبا ورود نیروهای چند ملیتی حافظ صلح با حمایت امریکا به لبنان شروع شد. در این بحران سوریه و ایران تصمیم گرفتند از شبه نظامیان شیعه در لبنان حمایت نمایند. سومین رویداد قابل توجه در این سال، حمایت ایران از سرکوب اخوان المسلمین در شهر حماه از سوی حکومت سوریه بود. این حمایت به طور قابل توجهی نشان داد که ایران یک جهت گیری عمل گرایانه در سیاست خارجی دارد و قادر است واقعیات ژئوپلیتیکی را بالاتر از ایدئولوژی قراردهد (Ehteshami and Hinebusch 1997:89).

در واقع واکاوی ریشه های اتحاد ایران و سوریه در دوره بعد از انقلاب اسلامی حاکی از آن است که نقش تهدید مشترک بسیار برجسته است. رقابت سوریه و عراق از یک سو و حمله عراق به ایران عملا تهدید مشترکی را فراروی این دو بازیگر قرار داد و آنها را به سوی همکاری و اتحاد بیشتر سوق داد. براین اساس، وقتی عراق در سال ۱۹۸۰ به ایران حمله کرد، رئیس جمهور سوریه حافظ اسد بی درنگ این تصمیم را محکوم کرد. تهدیدات مشترک در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ نیز این دو بازیگر را به یکدیگر نزدیک نمود. در واقع اتحاد ایران – سوریه به منظور موازنه تهدید در مقابل تهدیدات مشترک منطقه‌ای یعنی عراق، اسرائیل، آمریکا در دهه هشتاد و آمریکا، اسرائیل، ترکیه و عراق در دهه نود بوده است. (سیمبر و اسمعیلی ۱۳۹۲: ۷) اهمیت روابط دو کشور به گونه‌ای بود که رهبر انقلاب در سال ۱۳۸۵در ملاقات با بشار اسد، ایران و سوریه را عمق استراتژیک یکدیگر نامیدند و تاکید کردند که این روابط از دیرینه‌ترین و ممتازترین روابط کشورهای منطقه است. (کتاب سبز سوریه،۱۳۸۷ :۲۲۸) وقوع شورشها در جهان عرب و تسری آن به سوریه و نوع واکنش جمهوری اسلامی ایران به تحولات سوریه را در چنین بستری باید ارزیابی نمود. البته همانطور که پیشتر اشاره شد، شورش در سوریه که چالشهای داخلی عمیقی را برای حکومت اسد به همراه آورد، به نوبه خود وابستگی سوریه به ایران و روسیه را تقویت نمود و به نظر می‌رسد که حداقل پس از بهار عربی، مسایلی چون تهدید داخلی و امنیت رژیم سوریه نقش پررنگی در

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.1.0]

تقویت اتحادهای منطقه‌ای این کشور ایفا نمود به گونه‌ای که حتی در برخی پژوهشها، تحولات سوریه پس از بهار عربی در قالب گذار از دولت به شبه دولت بررسی شده و نقش عوامل بین‌المللی در این روند مورد توجه قرار گرفته است.

شورشهای عربی و سیاست خارجی ایران در قبال بحران سوریه

جنبشهای اعتراضی در جهان عرب موسوم به بهار عربی و یا بیداری اسلامی که از تونس آغاز شد و به سرعت کشورهای دیگری چون مصر، بحرین، لیبی و یمن را دربرگرفت، زمینه رقابت بازیگران قدرتمند منطقه‌ای را فراهم آورد. ترکیه که تا پیش از این از مشکلات صفر با همسایگان سخن میگفت رفته رفته به نوعثمانی‌گری روی آورد. این کشور خود را به مثابه الگویی برای کشورهای در حال تغییر معرفی نموده و از جریانهای اخوانی منطقه حمایت نمود. (Bağcı and Erdurmaz 2017: 7-9) ترکیه از اخوان المسلمین مصر و النهضه در تونس حمایت نمود و بر این باور بود که رژیم سوریه نیز به دلیل حاکمیت فرقه ای (۷۰ درصد جامعه سنی/ حکومت عمدتا علوی) بسیار آسیب پذیر خواهد بود. رهبران ترکیه باور داشتند که سقوط حکومت اسد و به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان سنی و به ویژه اخوان المسلمین سوریه که از دیرباز روابطی با حزب عدالت و توسعه داشتند، می‌تواند نفوذ منطقه‌ای این کشور را گسترش داده و زمینه تاثیرگذاری بیشتر این کشور در عراق را فراهم آورد. این سیاستها ترکیه را در سوریه در مقابل ایران قرار داد. (Kuru 2015:94)

از سوی دیگر عربستان سعودی نیز که گسترش نفوذ منطقه ای ایران در سالهای پس از ۲۰۰۳ (حمله آمریکا به عراق و گسترش تدریجی نفوذ شیعیان در ساختار سیاسی عراق) باعث نگرانی آن شده بود، از مخالفان حکومت اسد حمایت نمود. سیاست‌هاي عربستان سعودی منجر به گسترش چالش‌هاي امنيتي ايران در محيط منطقه‌اي غرب آسيا شده است. بخشی از بحران‌هاي امنيت منطقه‌اي سوريه و همچنين عراق ناشي از سياست‌هاي هويتي و الگوي كنش رقابتي عربستان در مقابله با ايران بوده است. حمايت عربستان از گروه‌هاي بنيادگراي تكفيري را در اين قالب می‌توان ارزيابی نمود.

لازم به ذکر است که پس از به قدرت رسیدن جریانهای نزدیک به ایران در عراق، مدعای هلال شیعی توسط پادشاه اردن بیان شد (برزگر ۱۳۸۷: ۴۳) و بسیاری از کشورها از آنچه کنترل چهار پایتخت عربی توسط ایران گفته می‌شد (بغداد، دمشق، بیروت و بعدها صنعا) ابراز نگرانی کردند. به نظر می‌رسید که مقابله با نفوذ منطقه‌ای ایران و تلاش برای گسترش نفوذ ژئوپولیتیکی یکی از مهم‌ترین محورهای سیاست

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.1.0]

خارجی کشورهایی چون عربستان و ترکیه بوده است. در این راستا، عربستان و ترکیه و همچنین قطر و برخی کشورهای دیگر به حمایت همه جانبه از گروههای مسلح مخالف اسد مبادرت کردند. (Nia-kooee 2013: 439-443)

هزاران جنگجوی خارجی از جهان عرب با مدیریت و برنامه ریزی اطلاعاتی کشورهای عربی و غربی برای آنچه جهاد مقدس علیه حکومت علوی در سوریه خوانده می‌شد، وارد سوریه شدند. اگرچه رقابت میان عربستان و ترکیه در منطقه قابل کتمان نیست و ترکها از جریانهای اخوانی حمایت می‌کنند، در حالی که عربستان عمدتا اخوان المسلمین را دشمن جدی ایدئولوژیک خود تلقی می‌کند، اما عربستان و ترکیه سالهای متمادی در سوریه در یک راستا عمل کرده و خواهان سقوط حکومت اسد، قدرت گیری جریانهای سنی و حذف نفوذ منطقه‌ای ایران در این منطقه بودند. (نیاکوئی ۱۳۹۹: ۱۳۸) در چنین پیش زمینه‌ای، ایران تحولات سوریه را متفاوت از تحولات سایر کشورهای عربی قلمداد نمود و در حالی که تحولات کشورهایی چون تونس، مصر، لیبی، یمن و بحرین را بیداری اسلامی و دارای ماهیت مردمی تلقی می‌کرد، تحولات سوریه را متاثر از تحرکات بازیگران خارجی و غیرمردمی ارزیابی نمود.

بر این اساس، سیاست اعلامی جمهوری اسلامی ایران، مخالفت با مداخلات خارجی در سوریه بوده و ایران در راستای حمایت از دولت سوریه و به دعوت این کشور به نقش آفرینی در سوریه مبادرت کرد. محورهای سیاست گذاری ایران در بحران سوریه را در چند سطح می‌توان ارزیابی نمود. در سطح نظامی (مستقیم یا نیابتی) می توان به کنش نظامی از طریق بازیگران نیابتی و سازماندهی شبه‌نظامیان خارجی حامی اسد مانند زینبیون و فاطمیون، اقدام نظامی مستقیم به‌صورت حضور نیروهای نظامی ایرانی در کنار نیروهای سوریه و همچنین عملیات مستقیم علیه گروههای تکفیری مانند داعش اشاره کرد. در سطح مستشاری نیز ارسال ادوات و مستشاران نظامی، پایه‌گذاری نیروی دفاع ملی و نیروهای دفاع محلی با الگوبرداری از بسیج ایران و نظارت مستشاران ایرانی بر آموزش شبکهٔ نظامی سوریه، تجهیز آن‌ها به ابزارهای تسلیحاتی قابل ذکر است. در سطح اقدامات دیپلماتیک و حقوقی نیز می‌توان به تلاش برای متقاعد کردن روسیه برای ورود نظامی به بحران سوریه، حمایت دیپلماتیک از تمامیت ارضی و یکپارچگی سرزمینی سوریه، حضور و نقش آفرینی دیپلماتیک از جمله در مذاکرات آستانه و تلاش برای ایجاد و تقویت ائتلافهای سیاسی منطقه‌ای حامی دولت سوریه از جمله اتاق فکر بغداد با حضور عراق و سوریه و روسیه اشاره کرد. (نیاکوئی و پیرمحمدی ۱۳۹۸: ۱۸۴)

ایران در مجموع موفق شد در برابر سیاست‌هاي تهاجمي گروه‌هاي بنيادگراي سلفي و تكفيري، نوعی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.1.0]

بازدارندگی ایجاد کند که مهمترین سازوکارهای آن سازماندهی کنشگران فروملي همانند حزب الله لبنان، زینبیون، فاطمیون و غیره و همچنین همکاري ژئوپلیتیکي و راهبردي با روسیه بود به طوری که نیروهای زمینی تحت مدیریت ایران با پشتیبانی نیروی هوایی روسیه، به سرعت موفق به تغییر معادلات در سوریه نمودند. لازم به ذکر است که تا سپتامبر ۲۰۱۵ بخش اعظم خاک سوریه در دست مخالفان بود با این حال کنشگری فعال ایران و وارد نمودن نظامی روسیه به این مناقشه، زمینه تغییر معادلات در سوریه و کنترل حکومت بر تقریبا تمامی سرزمین را فراهم آورد.

باید توجه داشت که کنش روسیه تا اواسط سال ۲۰۱۵ در چارچوب موازنه نرم قابل تبیین است و این کشور برای مقابله با تحرکات ایالات متحده و کشورهای عربی از ابزارهای نهادی و دیپلماتیک (به عنوان مثال وتوی طرحهای آمریکا در شورای امنیت) استفاده می‌کرد و ورود مستقیم نظامی به تحولات نداشت با این حال چشم انداز سقوط دمشق و گسترش قدرت جریانهای معارض و بنا به برخی گزارشها نقش اقناعی ایران، روسیه را به انجام حملات هوایی وسیع در سوریه مجاب نمود. (دیپلماسی ایرانی: ۱۵ مهر ۱۳۹۴ ؛ Kabalan: 2015) که البته در این مورد دیدگاههای مختلفی وجود دارد. به هر حال هم اکنون بیش از ۸۰ درصد مناطق سوریه تحت کنترل دولت مرکزی است در حالی که استان ادلب و بخشهای کردنشین در نوار شمالی این کشور عمدتا در دست گروههای معارض همسو با ترکیه و یا اکراد متحد با ایالات متحده قرار دارد.

در رابطه با چرایی حضور ایران در سوریه، تحلیلهای مختلفی ذکر شده است. منتقدان، آنرا دارای وجهی تهاجمی دانسته و از تلاشهای ایران بر نفوذ در مدیترانه سخن می‌گویند. برخی دیگر از محققان نیز حضور ایران را متاثر از وجوه ایدئولوژیک و فرقه‌گرایانه ارزیابی (Ostovar :2016) و تاکید می‌کنند که ایران به دنبال گسترش شیعه دوازده امامی در مناطق تحت نفوذ خود در سوریه است و در برنامه‌های ایران به شدت از شکل‌گیری نوعی هویت شیعی و تغییر دین مردم به تشیع حمایت می‌شود و هزاران نفر از مردم مناطق تحت نفوذ ایران برای آنکه با برخورد و تسهیلات مناسب‌تری از سوی ایران مواجه شوند، به تشیع روی آورده‌اند. مقابله با اسراییل و گسترش عمق استراتژیک نیز مورد توجه ناظران امور قرار گرفته است. (Alirafai, Jahanbani and Khaliji :March 2021)

اگرچه مقابله با اسراییل و همچنین حمایت از هویت شیعی در سیاست خارجی ایران جایگاه قابل توجهی دارد، اما نگاهی تاریخی و ژئوپولیتیکی به روابط ایران و سوریه و سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که این کشور نوع ائتلاف کشورهای عربی و غربی برای براندازی حکومت

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.1.0]

سوریه را تهدیدی برای قدرت منطقه‌ای و فراتر از آن امنیت ملی خود برداشت نموده و آنرا پاسخی دفاعی به تهدیدات امنیتی درنظر می‌گیرد. (Akbarzadeh, Goulray and Ehteshami: 2022) به عنوان مثال آیت‌الله خامنه‌ای اشاره کردند که اگر در سوریه مبارزه نمی‌کردیم، باید در همدان و کرمانشاه می‌جنگیدیم. (خبرگزاری تسنیم: ۱۶ بهمن ۱۳۹۴) لازم به ذکر است که بررسی جریانهای معارض سوری حاکی از آن است که گروههای تکفیری مانند جبهه النصره و دولت اسلامی و جریانهای همسو نقش بسیار قدرتمندی در میان معارضان داشته و می‌توان تصور نمود که در صورت سقوط اسد، شکل گیری دولتی با حضور تکفیری‌ها و تحت کنترل رقبای منطقه ای ایران در دمشق بسیار محتمل می‌بود.

در واقع می‌توان استدلال نمود که اگر ایران در مقابله با داعش و سایر گروههای تکفیری از سازوکارهاي پیشگیرانه استفاده نمی‌کرد، در آن صورت، رویکرد سیاسی امنیتی کشورهاي منطقه‌اي و گروههای ایدئولوژیک نیابتي آنها در غرب آسیا مي‌توانست در حوزه جغرافیای ایران باعث ناامنی شود. گروه‌هاي هویتي با ایدئولوژِی‌های «اسلام‌سلفي» و «بنیادگرایي تکفیري» محور اصلي تعارض امنیتي در خاورمیانه به ویژه در سال‌هاي ۲۰۱۸-۲۰۱۴ محسوب مي‌شوند. بخش قابل‌توجهي از منازعات منطقه‌اي در این مقطع زمانی، «مؤلفه‌هاي ایدئولوژیك و ژئوپلیتیکي» تهدید علیه امنیت ملي ایران را نشان می‌دهد. ایران براي مقابله با تهدیدات امنیتی گروه‌هاي تکفیري و بازیگران منطقه‌اي در سوریه و همچنین عراق از سازوکارهاي کنش پیشگیرانه بهره گرفته و از این طریق زمینه محدودسازي تحرك عملیاتي بازیگران موثر در محیط منطقه‌اي را به وجود آورده است. این سیاستها را میتوان در قالبی تدافعی تحلیل نمود. (علویان و متقی: ۱۴۰۰)

در مجموع با سقوط اسد، نفوذ منطقه‌ای و تاثیرگذاری ایران در سوریه کاهش می یافت و عمق استراتژیک جمهوری اسلامی با چالش جدی مواجه می‌شد . لازم به ذکر است که سوریه در جبهه مقاومت هم نقش کلیدی داشته و کنار رفتن حکومت نزدیک به ایران در این کشور بدون تردید هم بر تحولات لبنان و جایگاه حزب الله در این کشور و هم بر تحولات عراق تاثیر منفی می گذاشت. بر این اساس می‌توان استدلال نمود که سیاست ایران عمدتا در چارچوب رئالیسم تدافعی قابل تبیین است و معطوف به مولفه‌هایی چون حفظ امنیت و در سطحی دیگر حفظ توازن قوای مطلوب در منطقه است.

ارزیابی سیاست‌گذاری و کنشگری ایران در سوریه و پیامدهای آن

در رابطه با پیامدهای کنشگری ایران در سوریه و همچنین ارزیابی میزان موفقیت آن باید توجه داشت که سیاست خارجی ایران در سوریه دارای ابعاد و پیامدهای مختلفی می‌باشد که در حوزه‌های مختلف

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.1.0]

امنیتی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قابل ذکر است. در ادامه مهمترین وجوه و پیامدهای سیاست‌گذاری ایران ذکر می‌گردد.

۱. موفقیت حکومت اسد در کنترل مجدد سوریه و تضعیف گروههای تکفیری

بدون شک با نقش آفرینی ایران و روسیه، به مرور گروههای معارض تضعیف شده و از مناطق مختلفی چون حلب، درعا، حمص و.. عقب نشینی نمودند. بررسی نقشه کنونی سوریه حاکی از آن است که معارضان عمدتا در ادلب و صفحات شمالی کشور و در امتداد مرزهای ترکیه مستقر هستند و از سایر مناطق کشور پاکسازی شده‌اند. گروههایی که در ادلب هستند نیز متنوع بوده و از جبهه النصره تا ارتش آزاد را در برمی گیرد. سازماندهی گروههای مسلح مانند زینبیون، فاطمیون، حزب الله لبنان و نقش مستشاری سپاه قدس در کنار عملیاتهای هوایی وسیع روسیه که گفته شده با اقناع ایران انجام گرفت، نقش بسیار مهمی در تضعیف داعش، جبهه النصره و سایر گروههای تکفیری و سلفی در سوریه داشته است. در واقع در حالی که بخش عظیمی از سوریه تا سال ۲۰۱۶ در کنترل گروههای تکفیری بود، اکنون این جریانها به کلی تضعیف شده و در جریان جنگ داخلی سوریه و متاثر از کنش‌گری ایران و روسیه، دهها هزار نفر از گروههای تکفیری کشته و تاسیسات و تجهیزات آنها منهدم گشته است. با تضعیف این جریانات در سوریه، نقش این گروهها به ویژه داعش در عراق نیز کاهش یافته و امنیت ملی ایران افزایش یافته است. در واقع خطر گروههای تکفیری متاثر از کنش‌گری ایران و روسیه در سوریه تقلیل یافته است. از سوی دیگر ایران موفق به حفظ متحد استراتژیک خود در منطقه شده است. لازم به ذکر است که هم اکنون می‌توان ادعا نمود که حکومت سوریه، از بحران گذار کرده و حتی بازیگران معارض منطقه‌ای مانند عربستان سعودی و امارات نیز تداوم حکومت سوریه را مسلم می‌دانند.

در مجموع می‌توان استدلال کرد که مداخله نظامی امنیتی ایران در سوریه از یک سو باعث تداوم حکومت سوریه، متحد استراتژیک ایران، شده و لذا جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی را حفظ کرده است. از سوی دیگر این سیاست موجب تضعیف گروههای تکفیری که از نظر ایدئولوژیکی رقیب ایران بوده و از نظر ژئوپولیتیکی نیز توسط رقبای منطقه‌ای ایران بسیج می‌شوند، گشته است. با توجه به جایگاه استراتژیک سوریه که از آن به بزرگترین کشور کوچک جهان نام برده‌اند (کتاب سبز سوریه ۱۳۸۷: ۱۵ ـ ۱)، حفظ حکومت سوریه و سرکوب جریانهای تکفیری بر نواحی ژئوپولیتیکی مجاور به ویژه عراق و لبنان که هر دو برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مهم است نیز تاثیر بسزایی داشته است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.1.0]

۲. نگاه محدود نظامی امنیتی به سوریه و ضعف دیپلماسی اقتصادی ایران

اگرچه همانطور که گفتیم جمهوری اسلامی در عرصه نظامی امنیتی سوریه یا به عبارتی در سطح میدانی موفق عمل نموده است، اما باید توجه داشت که امروزه قدرت و امنیت دارای مولفه‌های متعددی است و اقتصاد به عنوان یکی از مولفه‌های قدرت روز به روز اهمیت بیشتری می‌یابد. جمهوری اسلامی ایران در دهه اخیر با بحرانهای اقتصادی عمیقی مواجه بوده که از جمله می‌توان به رشد اقتصادی منفی در سالهای متوالی، تورمهای افسار گسیخته و کاهش ارزش پول اشاره کرد. این عوامل خود برتوان تاثیرگذاری ایران در حوزه اقتصادی سوریه از جمله سرمایه‌گذاری تاثیر گذارده است.

گذشته از این، ضعف دیپلماسی اقتصادی کشور نیز مزید بر علت شده است. بررسی مبادلات تجاری بین ایران و سوریه و ترکیه و سوریه حاکی از این است که ترکیه در سال ۱۳۹۹ بیش از ۸ برابر ایران مبادله تجاری با سوریه داشته است. در واقع ایران علی رغم نقش حیاتی در بقای حکومت سوریه، نتوانسته در عرصه اقتصادی این کشور فعال باشد حال آنکه ترکیه که در دوران جنگ داخلی، یکی از بزرگترین حامیان گروههای تکفیری بود بسی موفقتر از ایران عمل کرده است. کارشناسان مسائل اقتصادی سوریه، عدم شناخت سوریه از ایران، ضعف لجستیک، عدم برندسازی مناسب، باور نداشتن سوریه به توانمندی های ایران، عدم انتخاب سفرا با رویکرد اقتصادی و عدم وجود رایزنان بازرگانی در کشورهای مختلف و نداشتن راهبرد مشخص تجاری از سوی سازمان توسعه تجارت ایران را مهمترین نقاط ضعف در توسعه روابط تجاری ایران و سوریه عنوان کردند. (خبرگزاری فارس: ۲۶ آذر ۱۳۹۹)

باید توجه داشت که سوریه در دوره پس از جنگ داخلی با بحرانهای اقتصادی عمیقی مواجه است و از سوی دیگر نیاز به شکل دادن روابط با کشورهای عربی برای افزایش مشروعیت دارد. همان طور که گفته شده یکی از بنیانهای حکومت سوریه، پان عربیسم است و حتی در قانون اساسی این کشور ذکر شده که سوریه بخشی از امت واحده عربی است. (نیاکوئی ۱۳۹۱ :۱۴۰) مولفه عربیت و مهمتر از آن نیاز به سرمایه‌گذاری و کمکهای مالی اعراب برای بازسازی اقتصادی و خروج از بحران اقتصادی، این کشور را با معمای سیاست خارجی مواجه کرده است. هم اکنون که حکومت سوریه، از بحران گذار کرده و حتی بازیگران معارض منطقه‌ای مانند عربستان سعودی و امارات نیز تداوم حکومت سوریه را مسلم می-دانند، تلاشهای جبهه عربی برای نزدیکی به سوریه به شرط انتقال اسد از سنگر ایران به سنگر عربی فزونی گرفته است طوری که حتی برخی تاظران ادعا کردند که «نخستین نتیجه سفر وزیر امور خارجه امارات به دمشق تصمیم سوریه به اخراج جواد غفاری، فرمانده سپاه پاسداران از سوریه به عنوان عنصری

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.1.0]

نامطلوب بوده است و در آینده اتفاقات مهم‌تری می‌افتد» (دیپلماسی ایرانی : ۲۷ آبان ۱۴۰۰) البته این ادعا توسط ایران تکذیب شده با این حال تلاشها برای دور کردن سوریه از ایران قابل انکار نیست. باید توجه داشت که پایین بودن مبادلات تجاری ایران و سوریه از یکسو و پتانسیلهای بالای کشورهای عربی برای سرمایه‌گذاری و بازسازی سوریه از سوی دیگر می‌تواند بر تداوم نفوذ ایران در این کشور تاثیر منفی داشته باشد. باید توجه داشت که اکنون وجه اقتصادی قدرت روز به روز پررنگ‌تر میشود و کشورها برای دست‌یابی به اهداف سیاست خارجی خود از انواع ابزارها از جمله نفوذ اقتصادی و حتی تحریم استفاده می‌کنند. ضعف ایران در عرصه اقتصادی بدون شک در سیاست خارجی نیز بازتاب داشته و پتانسیل تاثیرگذاری کشور را کاسته است.

۳. رقابتهای منطقه‌ای و تاثیر آن بر منافع ملی ایران

گذشته از تلاشهای کشورهای عربی برای نزدیکی به سوریه و دورکردن این کشور از ایران، پیچیدگی-های دیگری از سوی ترکیه نیز به چشم می‌خورد. ترکیه به ویژه پس از ۲۰۲۰ سیاستهای جاه‌طلبانه خود در سوریه را گسترش داده است. عملیات نظامی ترکیه در شمال سوریه تا این تاریخ با واکنش جدی ایران چندان مواجه نبوده زیرا که نواحی شمالی سوریه در مقایسه با نواحی جنوبی برای طرحهای درازمدت ایران در سوریه دارای ارزش استراتژیک و نظامی نبود. اما از اوایل ۲۰۲۰ ترکیه به گسترش جاه‌طلبی منطقه‌ای خود برای افزایش نواحی تحت کنترل پرداخت که زمینه درگیری با نیروهای نزدیک به ایران را فراهم آورد. از این پیچیده‌تر نزدیکی اخیر اسراییل و ترکیه است که میتواند به ابتکارهای مشترک ترکی اسراییلی برای ضربه به نفوذ ایران در منطقه منجر گردد. (Azizi and Sevic: 2022)

در واقع نفوذ ایران همچنان با تحرکهای وسیع کشورهای عربی برای جدایی سوریه از ایران و همچنین نزدیکی ترکیه و اسراییل و همکاری های مشترک احتمالی آنها مواجه است که میتواند با توجه به صرف منابع وسیع، زمینه آسیب و تزلزل در جایگاه ایران را فراهم آورد، این در شرایطی است که در جبهه حامیان حکومت سوریه نیز شکافها و اختلافهایی پس از تثبیت حکومت سوریه به چشم می‌خورد. ایران و روسیه در دوره جنگ داخلی، همسو و هماهنگ در راستای پیروزی حکومت بشار اسد عمل نمودند. این دو کشور در کنار عراق و سوریه یک ائتلاف منطقه‌ای را برای مقابله با گروههای معارض و حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی آنها ایجاد کردند که به اتاق فکر بغداد معروف شد. همکاری ایران و روسیه در عملیاتهای تعیین کننده و سرنوشت سازی مانند آزادسازی حلب شرقی کاملا نمایان بود. در این عملیات، نیروهای زمینی تحت

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.1.0]

مدیریت ایران با نقش آفرینی نیروی هوایی روسیه، موفق به آزادسازی حلب و تغییر معادلات میدانی در این منطقه استراتژیک و نمادین نمودند. در عملیاتهای دیگر نیز این همکاری‌ها تعیین کننده و سرنوشت ساز بود طوری که می‌توان ادعا کرد بدون نقش آفرینی مشترک ایران و روسیه، تداوم و تثبیت حکومت بشار اسد بسیار نامحتمل به نظر می‌رسید. به هر حال با تثبیت حکومت سوریه، رقابت و اختلاف نظر بین ایران و روسیه نمود بیشتری یافته طوری که منافع جمهوری اسلامی ایران را تحت الشعاع قرار داده است. از یک سو رقابت اقتصادی بین ایران و روسیه اوج گرفته و از سوی دیگر روسیه در خاورمیانه بازی پیچیده و چندجانبه‌ای را دنبال می‌کند که بر منافع ایران تاثیر می‌گذارد. در رابطه با رقابت اقتصادی ایران و روسیه، گفته شده که

«پس از پایان جنگ در بیشتر مناطق سوریه، ایران و روسیه به عنوان دو حامی نظام «بشار الاسد» رقابت شدیدی برای تعیین مناطق نفوذ و تقسیم دستاوردهای جنگ را آغاز کرده‌اند. سوریه شاهد رقابت شدید روسیه و ایران برای امضای توافقنامه‌هایی کلان جهت استخراج نفت وفسفات و ساخت بنادر است. در این زمینه شرکت‌های روسی پیروز میدان بوده‌اند به طوری که این شرکت‌ها در طی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰ برنده پنج قرارداد نفتی شدند. این در حالی است که ایران تنها در سال گذشته موفق به امضای یک قرارداد نفتی با دولت سوریه شد.... همچنین قرار بود دولت سوریه قرارداد تولید فسفات را به ایران واگذار کند اما در نهایت این قرارداد در سال ۲۰۱۸ بایک شرکت روسی به امضا رسید. توافق شده تا این شرکت روسی به مدت ۵۰ سال هفتاد درصد از سود فروش فسفات تولیدی در سوریه را از آن خود کند. در بهار ۲۰۱۹، سوریه اعلام کرد که قصد دارد بندر طرطوس را به روسیه و یک ترمینال کانتینری در بندر لاذقیه را به ایران اجاره دهد اما بعدها قرارداد دوم به سرانجام نرسید... ایرانی‌ها احساس می‌کنند که در مقایسه با تعهداتشان در برابر سوریه، سهم منصفانه‌ای از دارایی‌های این کشور را به دست نیاورده‌اند. ایرانی‌ها حمایت اقتصادی بیشتری ارائه کرده‌اند. اما منافع اقتصادی بیشتر از آن که به ایرانی‌ها برسد به کیسه روس‌ها می‌رود. از نظر فرهنگی نیز این روسها بودند که موفق شدند با غلبه بر ایران، زبان روسی را بجای زبان فرانسوی به عنوان زبان دوم در این کشور جا بیندازند»(دیپلماسی ایرانی : ۳ خرداد ۱۴۰۰)

باید توجه داشت که اهداف سیاست خارجی روسیه در سوریه و به طور کلی دکترین خاورمیانه‌ای روسیه متفاوت و در مواردی متضاد با ایران است. روسیه از اواسط دهه اول هزاره جدید با بهبود اوضاع داخلی به سمت گسترش جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای و جهانی حرکت کرده است. روسیه با فاصله گرفتنی عمیق از رویکرد اتحاد جماهیر شوروی، به سوی باز نگه داشتن خطوط ارتباطی با تمام بازیگران مهم

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.1.0]

خاورمیانه حرکت کرده است. (Trenin:2010) سیاست خاورمیانه‌ای روسیه مبتنی بر تنوع بخشی در روابط با بازیگران منطقه‌ای و قرار نگرفتن در یک‌سوی رقابتهای منطقه‌ای است و این کشور اهدافی چون موازنه قدرت در سطح منطقه، کسب پرستیژ بین‌المللی، مقابله با تهدیدهای امنیتی به ویژه گروههای بنیادگرای اسلامی، وگسترش منافع اقتصادی خود را دنبال می‌کند. در رابطه با سیاست چندوجهی روسیه باید به روابط پیچیده آن با بازیگران منطقه توجه داشت. روسیه همسوی با ایران علیه گروههای تکفیری در سوریه جنگید و نقش مهمی در تداوم حکومت اسد ایفا کرد. با این حال روسیه با دشمن شماره یک ایران، رژیم اسراییل، نیز روابط ویژه‌ای دارد و همکاری این کشور با ایران، روابط نزدیک آن با اسراییل را خراب نکرده است. (Lieven: 2021) به نظر می‌رسد که تداوم حضور نیروهای تحت کنترل ایران چندان مطلوب روسیه نیست و این کشور در مقابل حملات مکرر اسراییل به مواضع گروههای نزدیک به ایران در سوریه عمدتا سکوت کرده و یا کنشی جدی انجام نداده طوری که برخی حملات اسراییل به ایران را با چراغ سبز تلویحی روسیه ممکن می‌دانند.

از سوی دیگر، روسیه در برخی مذاکرات منطقه‌ای با ترکیه و همچنین قطر، نشستهایی را برگزار کرده که بسیاری از کارشناسان از ایران به عنوان غایب بزرگ این مذاکرات نام برده و تلاشها برای به حاشیه راندن ایران را مورد توجه قرار داده‌اند. به نظر می‌رسد که در حوزه تحولات ادلب نیز روسیه و ترکیه، توافقهای پشت پرده‌ای را دنبال می‌کنند و به طور کلی روسیه به ترکیه به مثابه یک شریک مهم نگاه می‌کند. گذشته از اینها، روسیه و عربستان در حوزه انرژی همکاری‌های مختلفی داشته و در مقابل افزایش شدید تولید نفت توسط ایالات متحده، تمایل به همکاری دارند. سفر سال ۲۰۱۷ ملک سلمان پادشاه عربستان سعودی به مسکو اولین سفر تاریخی بود و این دو ابرقدرت انرژی متعهد شدند که سیاست های صادرات نفت خود را هماهنگ کنند. (Rumer: October 31, 2019) باید توجه داشت که تحریم نفت ایران باعث افزایش تولید سایر تولیدکنندگان نفت از جمله روسیه، عراق و عربستان شد طوری که این کشورها در روندی پیچیده، جایگاه سابق ایران در تولید و عرضه نفت را در دست گرفتند. روسیه همچنین در رابطه با موضوع یمن که محور مهمی در رقابتهای ایران و عربستان است، همسو با عربستان عمل می‌کند. روسیه گروه انصارالله را به رسمیت نشناخته و مشروعیت دولت منصور هادی را به کرات مورد تایید قرار داده است، اگرچه در عین حال از میانجیگری در این منطقه نیز سخن می‌گوید. (بزرگمهری و نجفی ۱۳۹۸: ۱۴۷-۱۴۶) روسیه همچنین روابط بسیار ویژه نظامی امنیتی با مصر دارد که در قراردادهای نظامی، دیدارهای دیپلماتیک و مواضع و کنش مشترک این دو کشور در حوزه لیبی نمود یافته است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.1.0]

به طور کلی همان طور که رویت می‌شود، روسیه تلاش کرده تا روابط خود را با همهٔ بازیگران این منطقه گسترش داده و با نوعی بازی پیچیده و بهره‌گیری از رقابتهای بازیگران منطقه‌ای و در خلای نقش آفرینی سنتی ایالات متحده در خاورمیانه، خود را به عنوان بازیگر اصلی منطقه تثبیت و منافع اقتصادی امنیتی خود را دنبال کند. نگاهی به سیاست خارجی ایران در خاورمیانه تصویر دیگری را ترسیم می‌کند. ایران، اسراییل را دشمن اصلی خود دانسته و در تضادی ایدئولوژیک با آن به سر می‌برد. از سوی دیگر ایران در سالهای اخیر به ویژه پس از بهار عربی، روابطی بسیار بحرانی را با عربستان سعودی تجربه کرده طوری که عربستان و عمده کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از خروج آمریکا از برجام و فشار بر ایران استقبال کرده و عربستان تلاشهای فراوانی برای جایگزینی نفت ایران انجام داد. ایران با مصر نیز روابطی ندارد و روابط آن با ترکیه نیز متاثر از بحران سوریه و برخی مسایل دیگر از جمله جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای اردوغان کم و بیش دستخوش تنش بوده است.

تحریمهای ایالات متحده و عدم همراهی واقعی اروپا برای حفظ برجام پس از خروج ترامپ نیز اوضاع اقتصادی و تنوع کنشگری ایران در سیاست خارجی را در سطحی کلان تحت الشعاع قرار داده است. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد که ایران گزینه‌های محدودی برای اتحاد و یا همکاری در اختیار دارد، در حالی که روسیه همانطور که گفتیم دارای سیاست چندجانبه بوده و بازی پیچیده‌ای را دنبال می‌کند. این وضعیت، روابط این دو کشور را در وضعیت عدم تقارن قرار داده و امکان اینکه روسیه از ایران به مثابه کارت در معادلات منطقه بهره گیرد و یا حداقل اینکه ایران قادر به حفظ منافع خود در سطح منطقه‌ای و به طور خاص در حوزه سوریه نباشد، را فزونی می‌بخشد. باید توجه داشت که ایران و روسیه پتانسیل‌های رقابتی قابل توجهی دارند. اگرچه این دو کشور در نوع نگاه به نظام بین‌الملل و مخالفت با یکجانبه‌گرایی غرب وجه مشترک دارند و دخالتهای ایالات متحده در امور داخلی خود را برنمی‌تابند، اما این تمام ماجرا نیست. ایران و روسیه در عرصه انرژی و به ویژه انتقال گاز ایران به اروپا پتانسیل رقابت دارند. آنها در رابطه با مسایل حقوقی دریای خزر نیز تعارض منافع دارند و روسیه با پیمانهای دوجانبه و سه‌جانبه با سایر کشورهای ساحلی خزر منافع یکجانبه خود را دنبال می‌کند. اگر ایران از نظر اقتصادی و سیاسی قدرتمندتر و دارای گزینه‌های متنوع‌تری در عرصه سیاست خارجی باشد، می‌تواند منافع روسیه را در عرصه اقتصادی و سیاسی تحت الشعاع قرار دهد و این مطلوب فدراسیون روسیه نیست. البته باید توجه داشت حمله روسیه به اوکراین و تحولات جنگ در این کشور خود بر راهبرد کلی سیاست خارجی روسیه و به طور خاص راهبرد خاورمیانه‌ای این کشور تاثیر گذارده است که البته بررسی تاثیر جنگ

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.1.0]

اوکراین بر راهبرد خاورمیانه‌ای این کشور و روابط ایران و روسیه خود موضوع مستقلی است که واکاوی آن مجال دیگری را می‌طلبد.

٤. گسترش شکاف‌های مذهبی در منطقه و تضعیف قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و جبهه مقاومت

یکی از مهمترین مولفه های قدرت در عصر حاضر قدرت نرم است. قدرت نرم شامل شکل‌دادن به ترجیحات دیگران از طریق جذابیت و جذب است. یکی از ویژگی‌های تعیین‌کننده قدرت نرم این است که اجباری نیست. قدرت نرم از سه منبع فرهنگ، ارزشهای سیاسی و سیاستهای خارجی نشات می‌گیرد. برخلاف قدرت سخت که با شاخصهایی چون توانایی‌های نظامی یک کشور در ارتباط است، قدرت نرم با توانایی‌های علمی، فرهنگی و سیاست خارجی و داخلی یک کشور مرتبط است. گفته شده که هرچه خط مشی‌های ما در انظار دیگران مشروع تلقی شود، قدرت نرم ما افزایش می‌یابد. (دهقانی فیروز آبادی و امیری ۱۳۹۷: ۱۰۶ - ۱۰۲) همانطور که مشخص است در بحث قدرت نرم، توانایی شکل دادن به افکار عمومی کشورهای هدف با ابزارهایی چون رسانه پراهمیت است. اینکه سیاست خارجی و داخلی یک کشور در کشورهای دیگر چگونه برداشت می‌شود بسیار تعیین‌کننده است به عنوان مثال اگرچه جرج دبلیو بوش با حمله به عراق موفق به اشغال این کشور شد ولی این سیاست در میان ملل عربی تجاوزکارانه تلقی شد و بر قدرت نرم ایالات متحده تاثیری منفی گذارد.

علاوه بر سیاستهای دولت در داخل و خارج، قدرت و توان اقتصادی یک کشور نیز باید مورد توجه قرار گیرد. اقتصاد به مثابه عامل نمادین، در تصویرسازی قدرت نرم نقش بسزایی دارد. رشد اقتصادی و رفاهی، افزایش سرمایه‌گذاری، امید به زندگی و کاهش بیکاری از جمله عواملی هستند که در روند تولید قدرت نرم نقش آفرینی می‌کنند. (دهقانی فیروز آبادی و امیری ۱۳۹۷: ۱۰۶ - ۱۰۲) هرگز یک کشور توسعه نیافته و مملو از چالشهای اقتصادی و اجتماعی نمی‌تواند در عرصه قدرت نرم موفق باشد. در این میان، همانطور که گفته شده با گسترش تکنولوژِی‌های ارتباطی و اطلاعاتی، نقش رسانه نیز اهمیت چشمگیری یافته در واقع رسانه به مثابه ابزاری برای شکل‌دهی افکار عمومی و در راستای اهداف سیاست خارجی هر کشوری مورد استفاده قرار می‌گیرد. نقش شبکه سی ان ان در جنگ خلیج فارس که به تاثیر سی ان ان معروف شده و همچنین نفوذ و تاثیر شبکه الجزیره بر افکار عمومی جهان عرب که به مثابه قدرت نرم قطر قلمداد شده را از این منظر می‌توان ارزیابی نمود.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.1.0]

اگر بخواهیم تاثیر دوسویه قدرت نرم ایران در بحران سوریه و تاثیر سیاست‌گذاری های ایران بر قدرت نرم کشور را بررسی کنیم، چند نکته حائز اهمیت است. از یک سو ضعف اقتصادی ایران به ویژه در شاخصهایی چون نابرابری‌های اقتصادی، رشد اقتصادی منفی، فساد و عدم شفافیت در کنار بحرانهای اجتماعی و سیاسی و از جمله برخی بی‌ثباتی‌های سیاسی بر چهره جمهوری اسلامی ایران در جهان عرب و از جمله سوریه تاثیر گذارده است. از سوی دیگر سیاست ایران در بحران سوریه عمدتا در جهان عرب در قالبهایی چون حمایت از حکومت دیکتاتوری، فرقه‌گرایی و حمایت از نظام اقلیتی تبلور یافته و سازماندهی گروههای شیعی از جمله حزب‌الله لبنان، زینبیون، فاطمیون و غیره و کنشگری آنها در مناطق عمدتا سنی مانند حلب با توجه به نوع پوشش خبری رسانه‌های غالب عربی و غربی و همچنین ضعف رسانه‌ای ایران باعث کاهش قابل توجه جایگاه ایران و جبهه مقاومت در افکار عمومی جهان عرب شده است.

پژوهش موسسه پیو نشان می‌دهد که در سالهای۲۰۰۶ – ۲۰۰۷ بیش از نیمی از مصاحبه شوندگان در کشورهای اردن، مصر و ترکیه دیدگاه مثبتی درباره ایران داشتند در حالی که این رقم در سال ۲۰۱۴ به یک پنجم تقلیل یافت. اندیشکده مرکز عربی پژوهش‌ها و مطالعات سیاسی، مستقر در دوحه نیز بین دسامبر ۲۰۱۷ و آوریل ۲۰۱۸ نظرسنجی‌های گسترده ای پیرامون افکار عمومی جهان عرب انجام و آنرا با سالهای قبل مقایسه نمود. در این نظرسنجی ۶۵ درصد معتقد بودند که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه عربی منفی است. براساس نظرسنجی سال ۲۰۱۸ اکثریت افکار عمومی جهان عرب، ۶۴درصد، معتقد بودند که سیاست خارجی ایران در قبال منطقه عربی منفی و یا تاحدودی منفی است. ۲۱ درصد گفته‌اند سیاست ایران مثبت یا تاحدودی مثبت است. ۷ درصد باقاطعیت گفته‌اند که سیاست ایران مثبت و ۴۹ درصد با قاطعیت گفته اند که این سیاست منفی است. بیشترین دیدگاه منفی درباره سیاست خارجی ایران در مصر و اردن و کمترین در لبنان بوده است. (دنیای اقتصاد: ۳ آذر ۱۴۰۰)

در نظرسنجی این موسسه در سال ۲۰۲۰ اندکی جایگاه ایران بهبود یافته طوری که ۵۸ درصد افکار عمومی سیاست ایران در جهان عرب را منفی و ۲۵ درصد آنرا مثبت دانستند در حالی که موقعیت ترکیه دقیقا برعکس ایران بوده طوری که ۵۸ درصد سیاست این کشور در جهان عرب را مثبت و ۲۵ درصد منفی ارزیابی نمودند. در این نظرسنجی، در مورد بحران سوریه ۶۱ درصد افکار عمومی جهان عرب، سیاست ایران را منفی دانسته‌اند.(عبدالمجید : ۲۰ اکتبر ۲۰۲۰)

زاگبی در کتاب « نگاهی به ایران: ظهور و سقوط ایران در افکار عمومی» نشان می‌دهد که جنگ‌های

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.1.0]

آمریکا در افغانستان و عراق و سیاست های بوش در منطقه و نیز مواضع خارجی محمود احمدی نژاد در دو سه سال نخست ریاست جمهوری و شکست اسراییل از حزب الله در جنگ ۳۳ روزه تابستان ۲۰۰۶ یکی از مهمترین دلایل محبوبیت ایران در بین کشورهای عربی در آن مقطع زمانی است زیرا در بیشتر کشورهای عربی این باور وجود داشت که این تنها ایران است که یک تنه در برابر سیاست های توسعه طلبانه آمریکا و اسراییل در منطقه ایستادگی می‌کند و بر این مبنا به طور میانگین نزدیک به ۷۵ درصد افکار عمومی در بیشتر کشورهای عربی در مجموع نگاهی مثبت نسبت به ایران و سیاست های ضد امریکایی و اسراییلی آن داشتند، در حالی که پس از به قدرت رسیدن باراک اوباما در آمریکا و وقوع بهار عربی، به ویژه بحران داخلی سوریه و ادامه برنامه هسته‌ای ایران، موقعیت این کشور در بین افکار عمومی کشورهای عربی به شکل محسوسی افت داشته است. (دیپلماسی ایرانی: ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۲)

در واقع شواهد نشان می‌دهد که در مجموع سیاست منطقه‌ای ایران و به ویژه سیاست ایران در بحران سوریه مورد استقبال افکار عمومی جهان عرب قرار نگرفته است. شکافهای مذهبی در جهان اسلام (شیعه- سنی) و مدل حکومت اقتدارگرای سوریه و نوع برخورد آن با گروههای مخالف و همچنین ضعف رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در تاثیرگذاری بر افکار عمومی جهان عرب و ارائه روایتی جایگزین، همگی بر افول جایگاه جمهوری اسلامی ایران تاثیر داشته است. لازم به ذکر است که در جنگ ۳۳ روزه این روایت که ایران و جبهه مقاومت، شکست سنگینی بر اسراییل وارد کرده‌اند به روایت غالب در جهان عرب تبدیل شد. اما بحران سوریه و کنشگری مشترک جریانهای شیعی منطقه‌ای تحت فرمان سپاه قدس برای حفظ حکومت بشار اسد که با جنگ داخلی این کشور اعتبار خود را از دست داده بود، عمدتا در جهان عرب فرقه‌گرایانه و مداخله‌جویانه تلقی شده است. ضعف شدید رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران نیز بر تثبیت این روایت بی‌تاثیر نبوده است به عنوان مثال، در حالی که جمهوری اسلامی ایران اعلام نمود که بازگشت سردار جواد غفاری از سوریه به دلیل پایان ماموریت و با تقدیر و تشکر رسمی حکومت سوریه انجام گرفته، روایتی مبنی بر اخراج تحقیرآمیز این فرمانده ارشد سپاه قدس توسط بشار اسد به تیتر تمام رسانه‌های عربی و غربی تبدیل و عملا به روایت غالب تبدیل شد. مسعود اسداللهی در رابطه با ضعف رسانه‌ای و هزینه سنگینی که ایران در این ماجرا پرداخت نمود می‌گوید:

«تودیع آقای غفاری غیررسانه‌ای انجام شد و برادر جدیدی معارفه شدند، این موضوع به مقامات رسمی سوریه هم اعلام شد و انواع و اقسام مراسم‌های تودیع برای ایشان صورت گرفت، سرلشکر علی ایوب وزیر دفاع سوریه که در عین حال رئیس ستاد ارتش هم هست، در مقر وزارت دفاع، مراسم

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.1.0]

تقدیر و تشکر از زحمات سردار غفاری را با حضور افسران بلندپایه ارتش سوریه برگزار کردند اما متأسفانه اینها رسانه‌ای نشد... هنگامی که وزیر خارجه امارت می‌خواست به سوریه برود و مقدماتش هم از قبل چیده شده بود؛ حضور وی در دمشق یک بمب خبری بود. وقتی وزیر خارجه یک کشور عربی می‌آید و با بشار اسد دیدار می‌کند و علنی اعلام می‌شود، آن جناح و گروه که به‌دنبال این بودند که این شکست را پوشش دهند، چون خبر تغییر فرمانده ایرانی را داشتند، این خبر را نگه داشتند و بلافاصله بعد از سفر وزیر خارجه امارات به دمشق اعلام کردند و مدعی شدند فرمانده نیروهای ایرانی اخراج شده است و این را اولین دستاورد سفر وزیر خارجه امارات اعلام کردند که اصلاً ربطی به هم نداشت و جابه‌جایی یک ماه قبل صورت گرفته بود. در عرف دیپلماسی اگر بخواهند یک فرد خارجی را اخراج کنند، حداکثر ۴۸ ساعت به وی فرصت می‌دهند که خاک کشور را ترک کند؛ نه اینکه یک ماه بماند و در سراسر کشور بچرخد و انواع و اقسام مراسم‌های مختلف مردمی و رسمی برای وی برگزار کنند و... خبر اخراج سردار غفاری از سوریه کذب است اما به‌دلیل ندانم‌کاری خود ما که باید اعتراف کنیم مسئولین ما هنوز نقش رسانه‌ای را خوب بلد نیستند، یک امر خیلی عادی را دودستی تقدیم طرف مقابل کردیم و حالا در موضع انفعال باید اعلام کنیم که این دو رخداد به هم ربطی نداشتند.» (اسداللهی ۳۰ آبان ۱۴۰۰)

در مجموع می‌توان گفت که بحران سوریه و سیاست خارجی جمهوری اسلامی در این بحران و به ویژه ضعف رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران و غلبه یافتن روایت رسانه‌های غربی عربی در مجموع باعث تضعیف قدرت نرم و جایگاه ایران در افکار عمومی جهان عرب شد و این مورد در رابطه با گروههایی چون حزب الله لبنان نیز صادق است. در واقع سیاست جمهوری اسلامی ایران و گروههای مقاومت که عمدتا از آنها به گروههای نیابتی جمهوری اسلامی نام برده می‌شود، در جهان عرب در قالبهایی چون تلاش برای گسترش نفوذ ایران در جهان عرب، دامن زدن به شکافهای مذهبی، حمایت از حکومت اقلیتی و دفاع از حکومتی که علیه مردم خود از سلاح شیمیایی استفاده می‌کند، چارچوب‌گذاری شده و این بر قدرت نرم ایران تاثیر منفی گذارده است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.1.0]

نتیجه گیری و پیشنهادات

سیاست خارجی ایران در قبال سوریه موضوع پراهمیتی است زیرا این کشور نقش تعیین‌کننده‌ای در تحولات سیاسی سوریه در دهه اخیر داشته است. اکنون و با گذشت بیش از ده سال از آغاز بحران، بهتر می‌توان وجوه، ابعاد و پیامدهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را بررسی نمود. در این پژوهش مشخص شد که روابط ایران و سوریه در دوره بعد از انقلاب اسلامی، معطوف به مقابله با تهدیدات مشترک بوده و جمهوری اسلامی در این بستر، بحران سوریه را تلاش جبهه عربی غربی برای تضعیف نفوذ منطقه‌ای خود و تاثیرگذاری بر امنیت ملی ایران ارزیابی نمود. در واقع سیاست خارجی ایران در سوریه عمدتا وجه امنیتی داشته و معطوف به مقابله با تهدیدات و حفظ نفوذ منطقه‌ای کشور بوده و تبیین آن از منظر رهیافت واقع‌گرایی به ویژه نظریه موازنه تهدید مناسب‌تر است. این سیاست با مهار تهدیدات امنیتی مستقیم به ویژه قدرت‌گیری گروههای تکفیری در حوزه منطقه‌ای غرب ایران و تداوم حکومت سوریه، در مجموع موفقیت‌آمیز بوده و قدرت منطقه‌ای ایران را تداوم بخشیده است. با این حال برخی وجوه سیاست‌گذاری ایران، چالش‌برانگیز بوده و پیامدهای ناخواسته‌ای را نیز به همراه داشته است که از جمله می‌توان به نگاه محدود نظامی امنیتی به سوریه و بی‌توجهی به دیپلماسی اقتصادی؛ هژمونی طلبی روسیه در این منطقه با نوعی بازی چندجانبه و پیچیده که مستقیما بر منافع و حوزه نفوذ ایران تاثیر گذارده؛ و تضعیف قدرت نرم ایران و گسترش شکافهای فرقه‌ای در منطقه اشاره کرد. اکنون و با توجه به تثبیت حکومت بشار اسد به نظر می‌رسد که ایران نیز باید به سوی سیاستی جامع‌تر و کارآمدتر حرکت کند. در این راستا پیشنهادات زیر می‌تواند در راستای تامین منافع کلان و درازمدت ایران به کار رود.

۱. درک این مساله که امروزه قدرت و امنیت بسی فراتر از امنیت نظامی تعریف می‌شود طوری که مولفه-های اقتصادی، محیط زیستی، اجتماعی و فرهنگی نیز باید لحاظ شود. در این راستا ایران باید از نگاه صرف امنیتی نظامی به سوریه فراتر رود و به ویژه با دیپلماسی اقتصادی، تبادلات فرهنگی و علمی، حضور قدرتمندی در این کشور داشته باشد. پایین بودن مبادلات تجاری ایران و سوریه و به طور کلی حضور ناچیز ایران در اقتصاد این کشور در مقایسه با کشورهایی چون روسیه و ترکیه، می‌تواند بر منافع ایران در این کشور و کنشگری آن تاثیرات منفی داشته باشد.

۲. جمهوری اسلامی بهتر است روابط خود با گروههای مختلف قومی و مذهبی در این کشور و حتی جریانهای منتقد و اپوزیسیون را گسترده‌تر کند و از سوی دیگر به انجام اصلاحات سیاسی در سوریه به شکلی آرام و تدریجی کمک نماید. در واقع ایران می‌تواند در درازمدت با سیاستی جامع و حمایت

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.1.0]

از شکل‌گیری تدریجی دولتی فراگیر که منافع امنیتی ایران را نیز لحاظ می‌کند، از یک سو چهره خود در جهان عرب را بازسازی کند و از طرف دیگر قدرت خود را بر پایه‌های اجتماعی قدرتمندتری استوار سازد و نه الزاما شخص و یا حزبی خاص.

۳. ایران در سوریه و در سطحی کلان‌تر در خاورمیانه و جهان و حتی در موضوعاتی چون برجام به سوی متنوع‌تر نمودن شرکای خود حرکت کند و تنش‌زدایی و بهبود روابط با بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی را در دستور کار قرار دهد. همان طور که اشاره شد، سیاست خاورمیانه‌ای روسیه بر تنوع بخشی در روابط با بازیگران منطقه‌ای و قرار نگرفتن در یک‌سوی رقابتهای منطقه‌ای و بهره‌گیری از اختلافها و محذورات کشورهای مختلف منطقه در راستای منافع ملی خود مبتنی است. ایران نیز باید به طور کلی تعاملات خود با کشورهای مختلف چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح جهانی را گسترش دهد و کنشگری متنوع‌تری را انجام دهد. بهبود روابط با کشورهای عربی و اروپایی و تنش‌زدایی با ایالات متحده و شکل‌گیری توافق هسته‌ای در کنار ایجاد روابط وسیع‌تر با سایر گروههای تاثیرگذار در داخل سوریه و همچنین تعریف منافع با توجه به مقدورات و پرهیز از سیاستهایی که می‌تواند باعث حساسیت در سطوح مختلف شود، همگی می‌تواند امکان استفاده ابزاری قدرتهایی چون روسیه از وضعیت ایران را تقلیل دهد. در واقع برخی از بازیگران بین‌المللی مانند روسیه و حتی چین با لحاظ محذورات سیاست خارجی ایران (تنش در سطح منطقه و بحران در روابط با غرب) به دنبال ایجاد روابطی نامتقارن هستند، حال آنکه تنوع در گزینه‌های سیاست خارجی و بازی پیچیده و چندجانبه از سوی ایران می‌تواند خنثی‌کننده این سیاست باشد. این مهم نه تنها در خصوص بحران سوریه بلکه در مورد برجام، مسایل دریای خزر، روابط اقتصادی با چین و بسیاری موضوعات دیگر می‌تواند صادق باشد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.1.0]

منابع فارسی

۱. احمدیان، قدرت، دانش نیا، فرهاد و کرمرضا کرمیان (۱۳۹۵). هویت و سیاست خارجی خاورمیانه ای ایران و ترکیه در سوریه. فصلنامه سیاست جهانی. شماره ۱۸. صص۱۷۳-۱۴۱

۲. اسداللهی، مسعود (۳۰ آبان ۱۴۰۰)، چرا فرمانده مستشاران ایرانی در سوریه تغییر کرد. خبرگزاری فارس. https://www.farsnews.ir/news/14000830000433

۳. برزگر، کیهان (۱۳۸۷) ایران، عراق جدید و نظام سیاسی امنیتی خلیج فارس. تهران. انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک.

۴. بزرگمهری، مجید و شهلا نجفی (۱۳۹۸)، تحلیل راهبرد چین و روسیه در بحران یمن: همسویی با عربستان سعودی یا ایران. فصلنامه روابط خارجی . سال یازدهم. شماره ۴۲. صفحات ۱۵۹-۱۳۱

۵. بینین، جویل، حداد، بصام و شرین سیکلی (۱۴۰۱). چشم اندازی جدید بر اقتصاد سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا. ترجمه امیر نیاکوئی و رضا سیمبر. نشر مخاطب. تهران.

۶. خبرگزاری فارس (۲۶ آذر ۱۳۹۹). مقایسه سهم ایران و ترکیه در تجارت با سوریه/ چرا پیشنهاد فعالیت مشترک در بندر لاذقیه را رد کردیم؟ https://www.farsnews.ir/news/13990925000859

۷. خبرگزاری تسنیم (۱۶ بهمن ۱۳۹۴). آیت الله خامنه‌ای: اگر مدافعان حرم مبارزه نمی‌کردند، باید در کرمانشاه و همدان می جنگیدیم. https://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/11/16/991703

۸. دفتر مطالعات سیاسی، بین المللی (۱۳۸۷)،کتاب سبز سوریه

۹. دیپلماسی ایرانی (۱۵ مهر ۱۳۹۴)، حمله روسیه به سوریه نتیجه سفر سلیمانی است. http://irdiplomacy.ir/fa/ne ws/۱۹۵۲۷۰۳

۱۰. دیپلماسی ایرانی(۲۷ آبان ۱۴۰۰)، رویای غیرقابل تعبیر انتقال اسد از سنگر ایران به سنگر کشورهای عربی. http://irdiplomacy.ir/fa/news/2007673

۱۱. دیپلماسی ایرانی (۳ خرداد ۱۴۰۰)، رقابت ایران و روسیه در سوریه بر سرگسترش نفوذ؛ تهران و مسکو از سوریه چقدر سهم برده‌اند؟ http://irdiplomacy.ir/fa/news/2002744

۱۲. دیپلماسی ایرانی(۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۲)، ظهور و سقوط ایران در افکار عمومی جهان عرب. http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1915831

۱۳. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و مهدی امیری (۱۳۹۷)، زمینه‌یابی سه وجهی جایگاه قدرت نرم در سیاست خارجی روسیه (۲۰۱۹-۲۰۰۰). فصلنامه سیاست جهانی. دوره ۷. شماره ۴. صفحات ۱۳۲-۹۹

۱۴. رسولی ثانی آبادی، الهام (۱۳۹۳) ماهیت اتحادها در خاورمیانه: قدرت یا هویت. فصلنامه مطالعات راهبردی. دوره ۱۷. شماره ۶۵. پاییز. صفحه ۱۹۶-۱۷۱

۱۵. سیمبر، رضا و علی اسمعیلی (۱۳۹۲) علل شکل‌گیری و تداوم اتحاد ایران و سوریه. فصلنامه سیاست جهانی. دوره ۲ . شماره ۲. صفحات ۲۸-۷

۱۶. عباسی، مجید (۱۳۹۴) بحران سوریه تبلور نظریه واقعگرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی. شمارخ ۳۲. صص۱۰۴-۸۵

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.1.0]

۱۷. عبدالمجید، محمد (۲۰ اکتبر ۲۰۲۰)، جایگاه ایران در افکار عمومی کشورهای عربی. مرکز مطالعات ایرانی آنکارا.
https://iramcenter.org/fa/the-image-of-iran-in-the-public-opinion-of-arab-countries
۱۸. علویان، علی و ابراهیم متقی (۱۴۰۰)، سیاست‌گذاری راهبردی ایران در سوریه و عراق. فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی. دوره ۷. شماره ۴. صفحات۲۶-۲۵
۱۹. کشیشیان، گارینه و سهیل سهیلی نجف آبادی (۱۳۹۷)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات خاورمیانه (بیداری اسلامی) با تاکید بر بحران سوریه. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی. دوره ۱۰. شماره ۳۷. صص۵۰-۲۵
۲۰. مسعودنیا، حسین، ابراهیمی شهروز و حمید درج (۱۳۹۷). واکاوی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه: چالش‌ها و پیامدها. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی. دورخ ۸ شماره ۲۸. صفحه ۱۴۶-۱۲۵
۲۱. نیاکوئی، امیر (۱۳۹۹). زمستان عربی و معمای دموکراسی در خاورمیانه. نشر مخاطب
۲۲. نیاکوئی امیر و ویدا حاجی (۱۳۹۹) گسترش روابط شورای همکاری خلیج فارس و اسراییل: تبیینی از منظر واقع گرایی. فصلنامه سیاست جهانی دوره ۹ شماره ۳. پاییز
۲۳. نیاکوئی، امیر و سعید پیرمحمدی (۱۳۹۸). سیاست‌گذاری امنیتی ایران در قبال منازعات خاورمیانه بعد از بهار عربی. فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی. دوره ۵. شماره ۱. صفحات ۱۹۴-۱۶۷

منابع انگلیسی

1. Akbarzadeh, Shahram, Gourlay William and Anoushiravan Ehteshami (2022) Iranian proxies in the Syrian conflict: Tehran's 'forward-defence' in action, Journal of Strategic Studies, DOI: 10.1080/01402390.2021.2023014
2. Alirafai, ali, Jahanbani Nakisa and Mohsen Khaliji (March 2021). Iran's long game in Syria. Washington Institute.
3. Azizi, Hamidreza and salim Sevic (2022), Turkish and Iranian involvement in Iraq and Syria. Stiftung Wissenschaft und Politik. https://www.swp-berlin.org/en/publication/turkish-and-iranian-involvement-in-iraq-and-syria
4. Bağcı, Hüseyin and Ali Serdar Erdurmaz (2017), The Middle East Seen from Ankara, In Turkey's Foreign Policy Towards the Middle East: Under the Shadow of the Arab Spring. Edited by Idris Demir. Cambridge Scholars Publishing
5. Ehteshami, Anoushirvan and Raymond A.Hinnebusch (1997), Syria and Iran Middle Powers in A Penetrated Regional System, London: Routledge.
6. Gelbart, Jonathan (Fall 2010), " The Iran – Syria Axis: A Critical Investigation", Stanford Journal of International Relations ,Vol Xll , No 1,pp36-42.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.1.0]

7. Hanse, Birth, Toft Peter and Anders Wivel (2009), Security strategies and American World power: Lost power. Routledge.
8. Kabalan, Marwan (2015), Putin's unexpected move in Syria: perspectives on the Russians intervention in Syria, In Disturbing the Chessboard, Belfer Center for science and international affairs. https://www.belfercenter.org/sites/default/files/legacy/files/Russia%20in%20Syria%20-%20final%20web%202.pdf
9. Kuru, Ahmet T (2015), Turkey's failed policy towards the Arab spring: Three levels of analysis. Mediterranean Quarterly (2015) 26 (3): 94–116.
10. Lieven, Anatol (2021) Russia Is Right on the Middle East: Moscow has been supporting, not undermining, U.S. interests in the region.
11. Niakooee, S. A (2013). Contemporary Arab Uprisings: Different Processes and Outcomes. Japanese Journal of Political Science, 14(3), 421-445. doi:10.1017/S1468109913000170
12. Ostovar, Afshon (November 30, 2016), Sectarian dilemmas in Iranian Foreign policy: when strategy and identity politics collide. Carnegie Endowment for International peace. https://carnegieendowment.org/2016/11/30/sectarian-dilemmas-in-iranian-foreign-policy-when-strategy-and-identity-politics-collide-pub-66288
13. Rumer (October 31, 2019). Russia in the Middle East, Jack of all traders, master of none. https://carnegieendowment.org/2019/10/31/russia-in-middle-east-jack-of-all-trades-master-of-none-pub-80233
14. Seyed Amir Niakooee (2020): Explaining the Crisis of the Green Movement in Iran (2009-2017), Democracy and Security, DOI: 10.1080/17419166.2020.1716733
15. Trenin, Dimitry (2010), Russia's policy in the Middle East: Prospects for consensus and conflict with the United States https://carnegieendowment.org/files/trenin_middle_east.pdf

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۲۰۳۰۱

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

نیاکوئی، امیر؛ حاجی، ویدا (۱۴۰۱)، «واکاوی و آسیب‌شناسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال جنگ داخلی سوریه (۲۰۱۱–۲۰۲۱)» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۲، ش۳، پاییز ۱۴۰۱، صص ۲۸–۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.1.0]